

ادامه از صفحه ۶

مهم‌ترین مشکل ما مالی است

البته با توجه به شیوع کرونا وضعیت یک تا دو سال آینده با سختی و ابهام روبه‌روست.

❧ یعنی رستوران‌ها تعطیل است؟

به‌تازگی رستوران‌ها باز شده‌اند؛ ولی وقتی خانه فعالیت‌های دیگرش تعطیل یا کم‌رمق باشد، آنها هم نمی‌توانند رونق داشته باشند؛ چون اینها با هم تعامل دارند. این رستوران‌ها گذری نیستند و غالباً اهل فرهنگ و هنر در حاشیه سالن سینما و تئاتر و نمایشگاه از این فضاها استفاده می‌کردند. برخی دوستان اطلاع ندارند و می‌گویند فلان رستوران‌های معروف باز شده‌اند و شلوغ هم هستند. اولاً آن رستوران‌ها معروف و بر خیابان اصلی هستند و مشتریان بیرونی خودشان را دارند. درصد جدی از مراجعان رستوران‌های خانه‌توریست خارجی بودند. غالب توریست‌هایی که وارد ایران می‌شدند، یکی از اماکنی که می‌خواستند ببینند، خانه هنرمندان بود. از اول امسال توریست‌هایی که وارد ایران شده‌اند، به ۱۵۰ نفر هم نمی‌رسند.

❧ البته این مشکل مربوط به همه دنیاست.

بله، پس نیاز به کمک تعجیلی و خاصی از طرف دولت داریم. چند ماه اخیر نتوانسته‌ایم حتی نیمی از حقوق پرسنل را بپردازیم. همه هزینه‌های‌مان از تعمیر و نگهداری و نگهداری با خودمان است. شهرداری موظف است اگر فرهنگ‌سرایی هیچ برنامه‌ای هم نداشته باشد، هزینه‌های اجرایی و تعمیر و نگهداری و دستمزد و حقوق پرسنل و بیمه‌شان را پرداخت کند. همان کاری که وزارت ارشاد باید برای تئاتر شهر، سنگلج، فرهنگ‌سرای نیاوران و بنیاد رودکی بکند. این مراکز اگر هیچ کاری هم نداشته باشند، پرسنل حقوق‌شان را می‌گیرند؛ اما وضع خانه این‌گونه نیست و همه انجمن‌های هنری دیگر هم با همین مشکلات روبه‌رو هستند.

❧ به نظر شما خانه هنرمندان چگونه تقویت می‌شود؟

دو، سه سال قبل به دعوت خانه هنرمندان و وزارت فرهنگ، ورزش و جهانگردی کره جنوبی، برای بازدید به آن کشور رفتم و یک هفته میهمان دولت کره بودم. حقیقتاً شیوه عملی آنها برای ما الگو است. آنها یک خانه هنرمندان مثل ما دارند. اغلب انجمن‌های هنری و مجموعه‌ای که ما داریم؛ مثل خانه سینما و تئاتر و انجمن خوشنویسان دارند. آن‌قدر برای کره‌ای‌ها خوشنویسی مهم است که یک موزه بزرگ و باشکوه برای آن ساخته‌اند. شهرداری ستول و دولت‌شان برای کمک به خانه هنرمندان کره یک ساختمان بیست‌وچند طبقه بسیار مجلل در «خیابان تهران» که از زیباترین و گران‌ترین خیابان‌های ستول است، به آنها اختصاص داده. در کره اجاره مسکن بسیار بالاست. انجمن‌های هنری و خانه هنرمندان کره آنجا مستقر هستند. تعداد زیادی از واحدها را هم به مؤسسات فرهنگی و اقتصادی اجاره داده‌اند. این درآمد هنگفتی برای آنها است. دولت کره گفته خودتان اینجا را اداره کنید و درآمد آن را خرج فرهنگ و هنر کنید. البته کنترل و نظارت بر عملکردشان هم امری دائمی و پذیرفته است.

❧ باری هم از دوش دولت برداشته می‌شود؟

خانه هنرمندان و انجمن‌های هنری یک ضرورت ملی و تاریخی است که اتفاقاً با تدبیر نظام که دولت باید سبک شود، همخوان است و بخش عمده‌ای از بار دولت را به دوش گرفته‌اند.

❧ اگر دو فعالیت درخشان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از اقدامات مهم صورت‌گرفته در رژیم گذشته است، جمهوری اسلامی هم می‌تواند افتخار کند که سه خانه هنرمندان را ایجاد کرده، به شرط آنکه در حمایت و تقویت آن کوتاهی نشود.

علا برخورد دولت محترم این‌گونه است که این کانون هنری خیلی به ما ربطی ندارد؛ درحالی‌که جای افتخار دارد در دهه ۷۰ عقلی به خرج داده شد و اشتراک ذهنی و عملکردی بین شهرداری و وزارت ارشاد آن زمان ایجاد شد و انجمن‌های هنری را تقویت کردند. الان به جای افتخار و کمک به این ققیه، آن‌هم به‌عنوان یک وظیفه، دولت که سلب مسئولیت کرده و از دور تماشا می‌کند. با توجه به این وضعیت و شرایط بود که بنده، جناب آقای ایرج راد، آقای گیل‌آبادی و آقای نوربخش مصاحبه‌ای کردم و گفتیم تا اگر فردا به‌ناچار اینجا تعطیل شد، نگویند چرا این اتفاق افتاد. متأسفانه من در جایی گفتم بعضی از سر سادات دلشان می‌خواهد چنین جایی نباشد؛ جایی با کمترین هزینه به‌شدت مؤثر و پرکار. به شما می‌گویم سال گذشته کل دخل و خرج خانه هنرمندان با حدود شش میلیارد تومان جمع شد که از این مبلغ چهارمیلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان آن حقوق حداقلی پرسنل بود. باید حقوق و بیمه و حق سنوات را بپردازیم. متوسط حقوق و مزایای همکاران ما در حد ۳۰۵میلیون تومان است. در حداقل‌های تأمین اجتماعی حدود ۲۵۰ میلیون هزینه جاری برای تعمیر و نگهداری و انشعابات داشتیم و تنها ۹۰۰ میلیون تومان مستقیماً خرج کارهای هنری در یک سال شده است که پول برگزاری یک مراسم کوچک در گوشه و کنار این کشور است. درحالی‌که در کشور جشنواره‌هایی با چند میلیارد هزینه برگزار می‌شود. در این شرایط اگر کسی فکر نکند، متأسفانه کاری از دست ما برنمی‌آید. حساب دودوتا چهارتاست. در چند ماه گذشته با قرض‌گرفتن توانسته‌ایم حق بیمه بچه‌ها و بخشی از حقوق را بپردازیم؛ اما اگر حمایتی صورت نگیرد، نفس خانه هنرمندان به شماره افتاده و لاجرم رو به تعطیلی خواهد رفت؛ مگر اینکه دستی از غیب برون آید و کاری بکند.

گفت‌وگو با سعید بشیری و احمد بهرامی به بهانه درخشش «دشت خاموش» در جشنواره فیلم ونیز

«دشت خاموش» یکی از سه فیلم راه‌افته به هفتادوهفتمین جشنواره فیلم ونیز بود؛ فیلمی که یادداشت‌های مثبت اکثر منتقدان، نشان داد که دومین ساخته بهرامی در جشنواره فیلم ونیز خوش درخشید و در نهایت جایزه بهترین فیلم بخش اقی‌های جشنواره و جایزه فیپرشی را برای سازندگانش به همراه داشت. احمد بهرامی، کارگردان و نویسنده «دشت خاموش»، ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند بسیاری را در کارنامه دارد و پناهه نخستین فیلم بلند او بود. سعید بشیری، تهیه‌کننده «دشت خاموش»، فارغ‌التحصیل دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران است و در این فیلم سینمایی در کنار بهرامی تجربه تازه‌ای را رقم زدند. در ادامه گفت‌وگوی ما با سعید بشیری و احمد بهرامی را می‌خوانید.

❧ فیلم سینمایی «دشت خاموش» تولید بی‌سرصدايي داشت و بعد از دیده‌شدن در جشنواره فیلم ونیز یادداشت‌ها و نقدهای این فیلم منتشر شد. کمی درباره چگونگی ایده‌پردازی و ساخت فیلم صحبت کنید.

احمد بهرامی حدود دو سال برای تحقیق و نگارش فیلم‌نامه این فیلم وقت گذاشت. من از نزدیک شاهد بودم که روزهای بسیار زیادی به کوره‌پزخانه‌ها می‌رفت. با کارگران همشین می‌شد. به قول خودش: «من برای ساخت این فیلم اکثر کوره‌پزخانه‌های ایران را دیدم. علاوه بر اینکه او ورگ‌شاپ یک‌ساله‌ای هم با آقای کیارستمی طی کرده بود. هم‌زمان و در چند سال گذشته با تمرکز کتاب و فیلم‌ها را که به سلیقه سینمایی‌اش نزدیک بود، مطالعه می‌کرد و بارها درباره نگاه خاص و سینمایی‌ای که دوست داشت، حرف می‌زدیم و من متوجه نوع نگاه و سلیقه‌اش در کارگردانی شده بودم. بعد از نگارش فیلم‌نامه، احمد به من پیشنهاد خواندن آن را داد. فیلم‌نامه از همان ابتدا برایم عجیب و جذاب بود. فرم روایی خوبی داشت و مطابق سلیقه‌ام بود. تمرکز بر شخصیتی که در میان بحران‌های مختلف و شکست‌های زندگی‌اش، به‌شدت تنهاست، برایم جذاب بود و رنجی که این آدم و آدم‌های دیگر کوره در زندگی تحمل می‌کنند، تأثیرگذار بود و دوست داشتم آن را داد. فیلم‌نامه از همان ابتدا برایم عجیب و جذاب بود. فرم روایی خوبی داشت و مطابق سلیقه‌ام بود. تمرکز بر شخصیتی که در میان بحران‌های مختلف و شکست‌های زندگی‌اش، به‌شدت تنهاست، برایم جذاب بود و رنجی که این آدم و آدم‌های دیگر کوره در زندگی تحمل می‌کنند، تأثیرگذار بود و دوست داشتم آن را ساخت چنین فیلمی سهیم باشم. سعی کردم تمام انرژی و توانم را بگذارم تا احمد بهرامی تمرکز کافی روی ساخت فیلم داشته باشد.

احمد بهرامی (کارگردان): در مورد اینکه چرا فیلم در سبک‌ت خب‌ری ساخته شد، باید بگویم در مشورتی که با سعید بشیری، تهیه‌کننده و ناھید عزیزز صدیق، مشاور کارگردان شد ترجیح دادم که تا پایان مراحل ساخت، موضوع را رسانه‌ای نکنیم. پس از اتمام کار، فیلم که پروانه ساخت ویدئویی داشت، به جشنواره فجر ارائه شد، همانجا با ما شرط کردند که این فیلم در صورتی به دست هیئت انتخاب می‌رسد که پروانه ساخت تغییر کند. پس از پیگیری‌های ما، شورای ملی باید فیلم را می‌دید و پروانه را تغییر می‌داد. تشکیل نشد و ما عملاً به جشنواره فجر نرسیدیم. درواقع فیلم ازسوی هیئت انتخاب دیده نشد. لازم است در اینجا این نکته مهم را یادآور شوم که تفکیک فیلم‌ها براساس پروانه ساخت ویدئو و ۳۵ میلی‌متری، در دورانی که سینما تماماً دیجیتال است، منطقی ندارد. امیدوارم با بازنگری و تغییر در قوانین و مقررات جشنواره فجر این نوع محدودیت‌ها برای فیلم‌سازان برداشته شود. در مورد ایده و موضوع فیلم می‌توانم بگویم از سال‌ها پیش چنین موضوعی را در ذهن داشتم. در دوران کودکی و نوجوانی چند بار از نزدیک کوره‌های آجری را دیده بودم و همیشه دوست داشتم درباره این محیط کارگری فیلمی بسازم. تا اینکه از دو سال پیش شروع به نگارش فیلم‌نامه‌ای کردم که در آن بستر رویدادها یک کوره آجریزی است و به زندگی و شرایط سخت و طاقت‌فرسای کارگران و روابط‌شان با کارفرما می‌پردازد.

❧ «دشت خاموش» از جمله فیلم‌هایی است که می‌توان آن را در دسته فیلم‌های مستقل محسوب کرد، ساخت چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران به‌سادگی ممکن نیست، چه مسیر و هدفی از ساخت فیلم مد نظرتان بود و اساساً نگاه شما از ابتدا به مخاطب جهانی و حضور جشنواره‌ای فیلم بود؟

بشیری: از قبل به این فکر نکرده بودم؛ یعنی به این تقسیم‌بندی‌ها، خب، بعد که مرحله تولید تمام شد و متوجه شدیم در تأمین منابع مالی خودمان دو نفر هستیم فهمیدیم (با خنده) ما داریم فیلم مستقل می‌سازیم. بله، فیلم در دسته‌بندی فیلم‌های مستقل جا می‌گیرد، اما از ابتدا و وقتی فیلم‌نامه را خواندم حس کردم همان فرم و موضوعی را دارم که با نگاه و سلیقه من جور است. برایم جذاب بود و بعد چون می‌دانستم احمد تکلیفش با فرم و احوال فیلم روشن است، حدس زدم که حاصل کار رضایت‌بخش خواهد بود. با شما موافقم که اصولاً ساخت چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران سخت است و البته فکر می‌کنم چنین شرایط مشابهی در

تمام دنیا وجود دارد. همیشه فیلم‌سازانی که سعی کردند فیلم‌هایی بسازند که متعلق به جریان معمول و رایج سینما نیست با دشواری کار کردند، چراکه اصولاً سینما ملزوماتی دارد و غیر از بخش خلاقه که شامل ایده، فکر، خلاقیت و تجربه و توانایی کارگردان و تهیه‌کننده است به پول و سرمایه هم نیاز دارد. بخشی از این سینما به صنعت متصل است و صنعت یعنی پول و در مرحله پخش و نمایش و اکران هم این موضوع جدی‌تر است. چراکه نمایش و اکران هم نیاز به امکانات مالی دارد. طبیعی است که هر گروه فیلم‌سازی دوست دارند اثرشان بیشتر دیده شود و جشنواره‌های فیلم یکی از اصلی‌ترین مکان‌ها برای معرفی فیلم است. البته ما یک خوش‌شانسی داشتیم که پخش‌کننده بین‌الملل فیلم، علی قاسمی، با وجود جوانی اما با پختگی و تلاش زیاد و شناخت خوبی از سینما و فضای جهانی جشنواره‌ها باعث اتفاق‌های خوبی مثل همین جشنواره ونیز شد و اضافه‌کنم که به لطف خداوند و حتی قبل از اعلام و دریافت این سه جایزه از جشنواره ونیز، حداقل چهار جشنواره جهانی معتبر فیلم را پذیرفته‌اند. به هر حال فیلم «دشت خاموش» هم با سختی‌هایی در تولید همراه بود و البته با تمام دشواری‌ها، حضور آدم‌هایی که همدل بودند و با علاقه برای ساخت این فیلم دور هم جمع شدند، ساخته شد و اینجا باید از مسعود امینی‌تیرانی نام ببرم که فیلم‌پرداری این فیلم را در عهده داشت و که با سعید بشیری، تهیه‌کننده و ناھید عزیزز صدیق، مشاور کارگردان شد ترجیح دادم که تا پایان مراحل ساخت، موضوع را رسانه‌ای نکنیم. پس از اتمام کار، فیلم که پروانه ساخت ویدئویی داشت، به جشنواره فجر ارائه شد، همانجا با ما شرط کردند که این فیلم در صورتی به دست هیئت انتخاب می‌رسد که پروانه ساخت تغییر کند. پس از پیگیری‌های ما، شورای ملی باید فیلم را می‌دید و پروانه را تغییر می‌داد. تشکیل نشد و ما عملاً به جشنواره فجر نرسیدیم. درواقع فیلم ازسوی هیئت انتخاب دیده نشد. لازم است در اینجا این نکته مهم را یادآور شوم که تفکیک فیلم‌ها براساس پروانه ساخت ویدئو و ۳۵ میلی‌متری، در دورانی که سینما تماماً دیجیتال است، منطقی ندارد. امیدوارم با بازنگری و تغییر در قوانین و مقررات جشنواره فجر این نوع محدودیت‌ها برای فیلم‌سازان برداشته شود. در مورد ایده و موضوع فیلم می‌توانم بگویم از سال‌ها پیش چنین موضوعی را در ذهن داشتم. در دوران کودکی و نوجوانی چند بار از نزدیک کوره‌های آجری را دیده بودم و همیشه دوست داشتم درباره این محیط کارگری فیلمی بسازم. تا اینکه از دو سال پیش شروع به نگارش فیلم‌نامه‌ای کردم که در آن بستر رویدادها یک کوره آجریزی است و به زندگی و شرایط سخت و طاقت‌فرسای کارگران و روابط‌شان با کارفرما می‌پردازد.

❧ «دشت خاموش» از جمله فیلم‌هایی است که می‌توان آن را در دسته فیلم‌های مستقل محسوب کرد، ساخت چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران به‌سادگی ممکن نیست، چه مسیر و هدفی از ساخت فیلم مد نظرتان بود و اساساً نگاه شما از ابتدا به مخاطب جهانی و حضور جشنواره‌ای فیلم بود؟

تمام دنیا وجود دارد. همیشه فیلم‌سازانی که سعی کردند فیلم‌هایی بسازند که متعلق به جریان معمول و رایج سینما نیست با دشواری کار کردند، چراکه اصولاً سینما ملزوماتی دارد و غیر از بخش خلاقه که شامل ایده، فکر، خلاقیت و تجربه و توانایی کارگردان و تهیه‌کننده است به پول و سرمایه هم نیاز دارد. بخشی از این سینما به صنعت متصل است و صنعت یعنی پول و در مرحله پخش و نمایش و اکران هم این موضوع جدی‌تر است. چراکه نمایش و اکران هم نیاز به امکانات مالی دارد. طبیعی است که هر گروه فیلم‌سازی دوست دارند اثرشان بیشتر دیده شود و جشنواره‌های فیلم یکی از اصلی‌ترین مکان‌ها برای معرفی فیلم است. البته ما یک خوش‌شانسی داشتیم که پخش‌کننده بین‌الملل فیلم، علی قاسمی، با وجود جوانی اما با پختگی و تلاش زیاد و شناخت خوبی از سینما و فضای جهانی جشنواره‌ها باعث اتفاق‌های خوبی مثل همین جشنواره ونیز شد و اضافه‌کنم که به لطف خداوند و حتی قبل از اعلام و دریافت این سه جایزه از جشنواره ونیز، حداقل چهار جشنواره جهانی معتبر فیلم را پذیرفته‌اند. به هر حال فیلم «دشت خاموش» هم با سختی‌هایی در تولید همراه بود و البته با تمام دشواری‌ها، حضور آدم‌هایی که همدل بودند و با علاقه برای ساخت این فیلم دور هم جمع شدند، ساخته شد و اینجا باید از مسعود امینی‌تیرانی نام ببرم که فیلم‌پرداری این فیلم را در عهده داشت و که با سعید بشیری، تهیه‌کننده و ناھید عزیزز صدیق، مشاور کارگردان شد ترجیح دادم که تا پایان مراحل ساخت، موضوع را رسانه‌ای نکنیم. پس از اتمام کار، فیلم که پروانه ساخت ویدئویی داشت، به جشنواره فجر ارائه شد، همانجا با ما شرط کردند که این فیلم در صورتی به دست هیئت انتخاب می‌رسد که پروانه ساخت تغییر کند. پس از پیگیری‌های ما، شورای ملی باید فیلم را می‌دید و پروانه را تغییر می‌داد. تشکیل نشد و ما عملاً به جشنواره فجر نرسیدیم. درواقع فیلم ازسوی هیئت انتخاب دیده نشد. لازم است در اینجا این نکته مهم را یادآور شوم که تفکیک فیلم‌ها براساس پروانه ساخت ویدئو و ۳۵ میلی‌متری، در دورانی که سینما تماماً دیجیتال است، منطقی ندارد. امیدوارم با بازنگری و تغییر در قوانین و مقررات جشنواره فجر این نوع محدودیت‌ها برای فیلم‌سازان برداشته شود. در مورد ایده و موضوع فیلم می‌توانم بگویم از سال‌ها پیش چنین موضوعی را در ذهن داشتم. در دوران کودکی و نوجوانی چند بار از نزدیک کوره‌های آجری را دیده بودم و همیشه دوست داشتم درباره این محیط کارگری فیلمی بسازم. تا اینکه از دو سال پیش شروع به نگارش فیلم‌نامه‌ای کردم که در آن بستر رویدادها یک کوره آجریزی است و به زندگی و شرایط سخت و طاقت‌فرسای کارگران و روابط‌شان با کارفرما می‌پردازد.

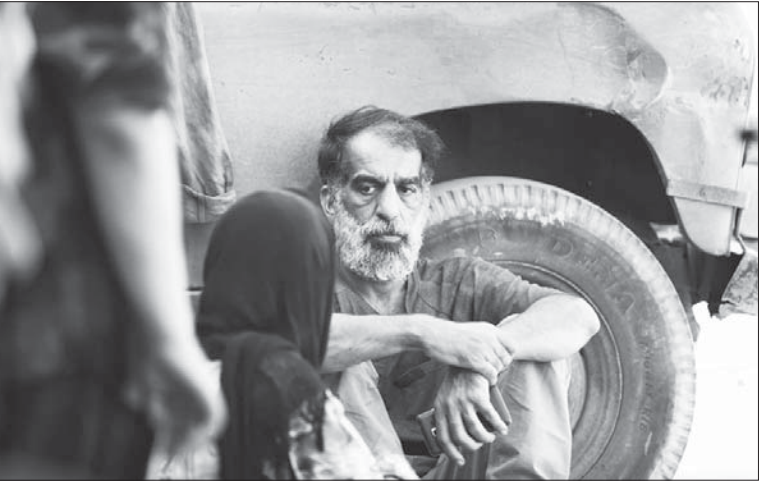
اتفاقاً دوست داشتم اولین‌بار فیلم در ایران نمایش داده شود و مخاطب ایرانی آن را ببیند. داستان فیلم در یک محیط کارگری ایرانی می‌گذرد اما موضوع و مسئله فیلم منطقه‌ای و بومی و محدود به یک جغرافیای خاص نیست و به همین دلیل به نظرم فیلم می‌تواند مخاطب بیشتر و گسترده‌تری را درگیر موضوع خود کند. در جشنواره ونیز هم به ما ثابت شد کسانی که فیلم را دیدند، چه مخاطبان ایتالیایی و چه مخاطبانی از دیگر کشورها که فیلم را دیدند، همه با فیلم و دنیای آن ارتباط برقرار کردند.

❧ بیشترین نظراتی که در جشنواره فیلم ونیز درباره فرم و محتوای فیلم دریافت کردید، چه بود؟

بشیری: اول باید خوشحالی‌ام را بابت این موضوع بیان کنم که برگزارکنندگان جشنواره ونیز واقعاً شهامت به خرج دادند که بعد از ماه‌ها تعطیلی جشنواره‌ها، این رویداد هنری را برگزار کردند و نشان دادند که سینما همچنان با قدرت در شرایط بحران کرونا از زندگی و آدم‌ها حرف می‌زند و علاقه‌مندان آن دوباره دور هم جمع شدند و از سینما و تصویر کردن تابه‌حال جشنواره‌های زیادی فیلم را خواستند. خدا را شکر فیلم ما در نمایش‌هایی که داشت، مورد استقبال قرار گرفت. روزنامه‌های ایتالیایی به‌رحال دریافت جایزه فیپرشی (جایزه فدراسیون بین‌المللی منتقدان) به «دشت خاموش» خوشایند و دلگرم‌کننده بود و جایزه بهترین فیلم بخش اقق‌ها که در نخستین‌بار به یک فیلم ایرانی تعلق می‌گرفت تأیید حرف‌های من خواهد بود. البته این جایزه مهم در رسانه‌های کشور به اندازه اهمیتش خب‌ری نشد. جایزه مهمی برای سینمای ایران که در سایه ماند و امیدوارم موفقیت‌های فیلم ادامه داشته باشد.

❧ انتحاب بازیگران فیلم هم کمی غیرمتعارف است، از این انتخاب‌ها هم صحبت می‌کنید؟

بشیری: شاید در ابتدای مرحله پیش‌تولید و انتخاب بازیگر فکر می‌کردیم به‌دنبال یکی، دو بازیگر چهره باشیم؛ اما همین‌طورکه در پیش‌تولید جلو می‌رفتیم، انکار که تصور روشن‌تری از احوال و فرم فیلم برای ما روشن می‌شد. از این ایده فاصله گرفتیم و سعی شد براساس دیدگاه کلی احمد و تصور ذهنی روشنی که از بخش‌های مختلف فیلم داشت، فیزیک و چهره بازیگران همخوان با فضای کارگری کوره‌پزخانه باشد و احمد با دقت و سختگیرانه البته به قول خودش با خرد جمعی انتخاب کرد. اینجا باید از آقایان پویان درزی و بیژن حجازی، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز فیلم تشکر کنیم که با همراهی آنها، مسیر درستی را برای انتخاب بازیگران طی کردیم و بازی‌هایی که هم‌منظر با ما باشد، نتیجه تلاش و همراهی همه



گفت‌وگو با سعید بشیری و احمد بهرامی به بهانه درخشش «دشت خاموش» در جشنواره فیلم ونیز

جایزه مهمی برای سینمای ایران که در سایه ماند

بازیگران و هدایت درست کارگردان است، مثلاً بازی‌ای که از علی باقری در فیلم می‌بینید بسیار قابل توجه است. او شخصیتی را بازی می‌کند که در موقعیت‌های دشوار و رنج‌آوری قرار می‌گیرد، اما قرار کارگردان با او برون‌ریزی احساس و واکنش‌های فیزیکی دست و چشم و از این دست نبود، به‌همین‌دلیل بازی‌کردن چنین نقشی که مدام باید سکوت کند و برون‌گرایی ندارد، به‌شدت دشوار است. علی باقری فشارهای روحی زیادی در برخی صحنه‌ها تحمل کرد و نقش در عین اینکه ساده به‌نظر می‌آید، بسیار پیچیده است. به نظرم تمام بازیگران در این فیلم نمره قابل قبولی می‌گیرند، به‌ویژه فرخ نعمتی عزیز با آن تجربه بسیار و توان بازیگری‌اش. خوشبختانه می‌توان گفت همه بازیگران کارشان را خوب انجام دادند و امیدوارم تماشاگران هم با ما هم‌نظر باشند.

بهرامی: با توجه به فضا و حال‌وهوای فیلم‌نامه و شرایط دشواری که برای روزهای فیلم‌برداری پیش‌بینی می‌کردیم، به سمت انتخاب بازیگرانی رفتیم که توانمندی بالایی داشته باشند. برای ما در انتخاب بازیگران، چهره یا غیرچهره‌بودن ملاک انتخاب نبود و تلاش شد تا بازیگرانی را انتخاب کنیم که تا حد ممکن با شخصیت‌های فیلم‌نامه و آنچه من در ذهن داشتم، نزدیکی و همخوانی بیشتری داشته باشد.

❧ جشنواره فیلم ونیز اتفاق خوبی برای معرفی بهتر فیلم بود، مسیر «دشت خاموش» در ادامه چه خواهد بود؟ به اکران فیلم در داخل فکر می‌کنید یا نمایش در کشورهای دیگر؟

بشیری: جشنواره فیلم ونیز یکی از سه جشنواره معتبر و قدیمی جهان است و مهم‌تر اینکه در سالی «دشت خاموش» در جشنواره فیلم ونیز انتخاب شد که سینمای ایران با حضور سه فیلم «خورشید»، «جنایت بی‌دقت» و «دشت خاموش» موفقیت‌های خوبی به دست آورد. جشنواره فیلم ونیز بعد از هفت، هشت ماه تعطیلی کامل جشنواره‌های جهانی، نخستین جشنواره‌ای بود که به شکل فیزیکی برگزار شد و انبوهی از فیلم‌های خوب پشت در جشنواره‌ها جمع شده بودند و درخشش در این جشنواره اتفاق خوبی است. خوشبختانه همان‌طورکه قبلاً عرض کردم تابه‌حال جشنواره‌های زیادی فیلم را خواستند که باید براساس شرایط جشنواره‌ها و زمان بندی و مشورت با آقای قاسمی، پخش‌کننده فیلم، هماهنگی لازم برای ادامه نمایش در جشنواره صورت بگیرد؛ اما همچنان دوست داریم فیلم در ایران اکران شود و مخاطب ایرانی این فیلم را ببیند و البته در کشورهای دیگر هم نمایش داشته باشد. شرکت‌هایی در خارج از کشور فیلم را درخواست کردند و در حال مذاکره با شرکتی فرانسوی برای حق واگذاری پخش فیلم هستیم. جوازیک به «دشت خاموش» در ونیز کسب کرد، توجه بسیاری را شرکت‌های فیلم‌سازی و پخش فیلم را به خود جلب کرده است.

بهرامی: در جشنواره فیلم ونیز انتظار مورد توجه قرارگرفتن و دیده‌شدن فیلم را داشتیم اما نه در این حد. دریافت سه جایزه و نظرات مثبت منتقدان ما را هم غافلگیر کرد. خوشبختانه جشنواره فیلم ونیز شروع خوبی برای این فیلم بود و امیدوارم فیلم همچنان مسیر خوب و درستی را طی کند و به هدف اصلی ما که نمایش در سالن‌های بیشتر و ارتباط با مخاطبان بیشتری است، برسد.

❧ فکر می‌کنید این فیلم تا چه حد در برقراری ارتباط با مخاطب عام موفق خواهد بود؟

بهرامی: به نظرم فیلم این قابلیت را دارد تا در ارتباط با مخاطب عام هم موفق باشد. با اینکه فیلم فرم و ساختاری خاص و ریتمی نامتعارف دارد، حال‌وهوای فیلم و موقعیت خاص شخصیت‌ها در دل داستانی ساده و همدلی‌برانگیز، می‌تواند موجب جذب و ارتباط مخاطبان بیشتری با فیلم شود.

بشیری: ما تلاش کردیم که فیلم با توجه به فرم و ساختارهای این نوع سینما، داستان و روایت خودش را به شکلی تعریف کند که مخاطب به آن ارتباط برقرار کند. با همه اینها «دشت خاموش» در دسته فیلم‌هایی نیست که سودآوری عجیبی داشته باشد و متکی به گیشه باشد. فیلمی است که کاملاً با نگاه به سینمایی که شاید لحنی خیلی سرخوشانه نداشته باشد، ساخته شده اما تلاش کردیم داستان و نقاط عطف آن برای مخاطب حس تعلیق و ادامه پیکری قصه را ایجاد کند. در پایان دوست دارم بگویم به نظرم بیش از هر چیز این فیلم درباره عشق، تنهایی و رنج زیستن است؛ درباره سکوت و خاموشی است. این فیلم نکته‌های دیگری را هم یادآوری می‌کند، مثل اینکه ما در گذشته صنعتی داشتیم با نام صنعت پخت آجر دستی که سابقه چندین هزار ساله در کشورمان داشته اما به‌مرور این شکل تولید آن از بین رفته و این فیلم به‌نوعی یادآور این نکته هم هست. خوشحالم که امسال سه فیلم به نمایندگی از سینمای ایران در جشنواره فیلم ونیز شرکت کردند و افتخار و اعتبار خوبی برای سینمای ایران کسب کردند.

مجموعه‌داری شکلی از پژوهشگری

● حسین کنجی، منتقد، انسان به‌دلیل فطرت و میل درونی‌اش همواره گرایش ناخواسته‌ای به زیبایی و هنر داشته و دارد و همین میل درونی است که او را به‌سمت جمع‌آوری اثر و نمودهای هنری سوق می‌دهد. این جمع‌آوری گاهی از یک صندوقچه و چند چیز محدود آغاز می‌شود و گاهی وسیع‌تر شده و رنگ‌وبوی مجموعه‌داری به خود گرفته و به دغدغه زیستی تبدیل می‌شود. در صورت دوم، یعنی به شکل گسترده آن است که گردآورده مجموعه‌دار خطاب می‌شود و آثار هنری بسیاری را براساس سلیقه و نگاه خود خریداری و جمع‌آوری می‌کند. آیا اما مجموعه‌داری به بیش یا نوعی از پژوهشگری نیاز دارد. باید اذعان کرد در خیلی از موارد مجموعه‌داری و خریداری آثار هنری بدون ایده مرکزی بیش رفته و صرفاً نوعی سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود و سوبه‌های پژوهشی در آن مغفول می‌ماند. مجموعه‌داری با کلک‌توری هنری چه در شکل فطری و درونی‌اش، چه در شکل سرمایه‌گذارانه و سودانگاره‌اش و چه حتی در سوبه تفریحی و سرگرم‌کننداش، همواره گرفتار براندگی و از آن مهم‌تر فقدان نگاه و خط سیر مفهومی بوده است. امکان اینکه مجموعه آثار کلک‌توری خریداری شود یا مجموعه‌کارهای رنگ روغن یا طبیعت یا ... تهیه شود، در یک مجموعه زباد است ولی اینکه حول مفهومی مثل پرداختن به نور یا عدم نور مجموعه‌ای شکل بگیرد، خیلی کمتر دست می‌دهد. در میان موزه‌داران، کبیرتورها و پژوهشگران هنری این باب است که با نگاه دسته‌بندی‌شده به سراغ آثار هنری و گردآوری آنها ذیل یک مفهوم یا یک سبک خاص یا حتی بیان متفاوت بروند و مجموعه‌آثاری را به نمایش بگذارند، اما در میان مجموعه‌داران این شکل کار و گردآوری کمتر دیده شده است. در سال‌های اخیر نگاه دسته‌بندی‌شده و منظم موزه‌داران، در کنار نگاه موضوعی و فرمی پژوهشگران حوزه هنر قرار گرفته است و از دل این دو نگاه، کلک‌ترا یا مجموعه‌دارانی سر برداشته‌اند که مخاطب هنر را با شکل تازه‌ای از نمایشگاه آثار هنری روبه‌رو کرده‌اند. نمایشگاه‌هایی که حول یک محور موضوعی خاص از میان هزار حرف پرانکند در آثار هنرمندان مختلف شکل گرفته و همچون کلماتی که در نهایت جمله معناری را می‌سازند، نمایشگاهی از آثار هنرمندان مختلفی را اما با یک حرف و دال مرکزی پیش‌روی مخاطب خود قرار می‌دهند. منتخبی از آثار مجموعه خصوصی احسان لاجوردی در گالری آ با عنوان نور و منتخبی از مجموعه خصوصی فریدون آو با عنوان لعل در همین گالری و منتخبی از مجموعه پرویز تنالی در گالری داستان با عنوان ویرسوس مجموعه‌داری، نمونه‌های مختلفی از همین مجموعه‌داری در زمانه معاصر است. نمایشگاه نور، منتخب مجموعه احسان لاجوردی شاخص بهتری است برای این منظر از حرف که توانسته براساس یک دال مرکزی و ایده‌ای که داشته است یا بعداً در روند جمع‌آوری آثار بدان رسیده، به‌د ر ناخودآگاه سلیقه‌ای و اندیشگی هنری‌اش وجود داشته است، صورت‌بندی کرده و اکنون در یک قالب به نمایش گذاشته است. در میان آثار هنری معاصر نسور و امر والا که به‌نوعی سرچشمه نور است و شقوق دیگری را که برآمده از تفکر اشراقی است، مورد توجه قرار داده و آثاری را گردآوری کرده است که همان‌طورکه در متن معرفی این مجموعه آمده است: «زبان نمادها و استعاره‌های معنوی» است. در اینجااست که مجموعه‌دار از نقش گردآور صرف زیبایی و هنر یا سرمایه‌گذاری به نیت کسب سود، با یک مشتاق هنر مدرن، یا فراتر گذاشته و به «مجموعه‌دار پژوهشگر- تبدیل می‌شود که هر اثر هنری برایش یک هجا و قطعه است که باید ایده او را تکمیل می‌کند؛ پازلی که در یک نمایشگاه و در کنارهم‌نشستن آن می‌تواند مخاطب را با مفهومی از هنر یا شکلی از پرداختن به جهان و ماهیت زیستی آن آشنا می‌کند. در نمایشگاه نور همان‌طور که در شرحی از آن آمده است، «نور استعاره‌ای است برای نگریستن و تفکرکردن از چشم‌اندازی متفاوت و خود را مانند منطق و انرژی خلاقِ بروز می‌دهد که صرف اتصال نشانه‌ها، مفاهیم و پاره‌های فکر به یکدیگر» خلق شده است و هنرمند با پرداختن به نور گاهی به‌صورت مستقیم و با پرداختن به سیاهی، به‌صورت غیرمستقیم به نور، به جست‌وجو در بی‌کرانه آن سخن پرداخته است که شیخ اشراق قرن‌ها پیش از آن هنر گفته بود. جهانی که هر چه دارد از نور است و آنچه ندارد نیز از همان نور نشئت می‌گیرد و یکی با حضورش و دیگری با عدم حضورش خلق شده و ایجاد می‌شود. چنین مجموعه‌هایی عموماً انگاره‌های فلسفی- فکری درتمندتری نیز در خود دارند و سعی می‌کنند از میان دیدگاه‌ها و روایات مختلف و سبک‌ها و شیوه‌های کاری متنوع، نشانه‌های مشترک و حروف تشابه را بیرون کشیده و از مفهومی بزرگ‌تر با بهره‌گیری از نمودهای طبیعی و ذخیل‌کردن خلاقیت و پرداختی مدرن و مینیمال، حرف بزنند. برای این گفته کافی است نگاهی به اثر مسعود عربشاهی با مریم ایمانی یا امیرحسین نایکبان با بایک اطمینانی یا فرشید ملکی یا مهرداد صدری در این مجموعه انداخت. در این شش اثر به ترتیب: نشان- نمادها، فرم، خلاقیت، جهان پیرامونی، جزئیات و رنج در رسیدن به خدمت‌یابگری هنرمند درآدم‌دند و مجموعه‌دار با کنار هم قراردادن آنها توانسته یک مفهوم عمیق فلسفی را از میان اشکال ساده که هنرمندان می‌دوره زمانی بدان‌ها پرداخته‌اند، بیرون بکشد. نمایشگاه نور در گالری آ شامل آثار طیف وسیعی از هنرمندان معاصر است که از مسعود عربشاهی، فرشید ملکی و بایک اطمینانی تا مهران مهاجر، وحید حکیم و سهند حسامیان و در ادامه از نسل جوان‌تر مانند محمدرضا میرزایی، اشکان صائنی و مریم ایمانی را دربر می‌گیرد.